

دیوارهای پررنگ و نگار شهر

نوشته خوان کارلوس لانگلوآ



گر آنها بودند.

نماهای تزئین شده با نقاشیهای سنتی که هنوز هم در بسیاری از کشورها دیده می‌شوند نشان می‌دهند که مردم آن کشورها تا چه اندازه قوه تخیل خود را از تأثیر عالم رنگها تقویت کرده‌اند. شهرهای اسلامی، روستاهای یونان، پرستشگاههای تابلند، روستاهای مساهگیران کسار آلبیه، معمارهای خاک‌ساز آفریقا و خاورمیانه از جمله نشانه‌های غنای فوق‌العاده عالم رنگها هستند.

ایس حساسیت دیگر در محیط عاری از رنگ مجموعه‌های بزرگ شهری امروز دیده نمی‌شود. خوشبختانه از چند دهه پیش به این طرف فکر استفاده از رنگ در طرحهای ساختمانی و بازسازی و حفظ ارزشهای میراث فرهنگی اندک اندک رواج یافته است. تصویر تازه شهر مستلزم کشف دوباره و فعال نقش رنگ است که با تأکید بر فضا و حجم و رنگ آمیزی آنها به صورت یک کمک عمده برای شهرساز درآمده است.

از نیمه دوم قرن بیستم به بعد بر اثر گسترش مخوف دامنه صنعت، مهاجرت به شهرها و دیگر گونهای شهری ناشی از آن، شهرنشینان بیش از پیش از داشتن یک محیط رنگ آمیزی شده محروم شده‌اند.

رشد روزافزون جمعیت شهرنشین، توسعه وسایل حمل و نقل، افزایش ضایعات صنعتی از جمله عوامل پیشماری هستند که اثرات زیانبار آلودگی جو را به مقدار زیاد افزایش داده‌اند. دیوارهای شهرها و جوی‌ها زیر پرده‌ای از دوده چرکین و گنگ شده‌اند؛ تیرگی به تدریج بر مجموعه‌های بزرگ شهری چیره شده است.

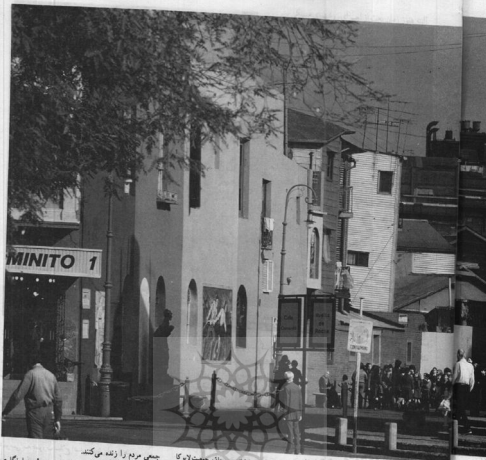
از اولین انقلاب صنعتی به بعد جوامع غربی مرتباً در شهرهای خود رنگهای تیره یا خشن را ترجیح داده‌اند زیرا که آنها را کارتر دانسته‌اند. علاقه به تقلید از به اصطلاح سبکهای کلاسیک رومی و یونانی این رفتار را تصدیق بسا رنگ را تقویت کرده است. و حال آنکه امروزه می‌دانیم که در عهد باستان توجه فراوان به رنگ داشتند؛ تصور ما از معابد و میدانهای ساخته شده از ملاقط مرمر سفید یک اشتباه است. با توجه به غنا و ظرافت رنگهای که در هنرهای قدیمیترین تمدنهای به کار رفته‌اند، درمی‌یابیم که استفاده از رنگ به عنوان یک زبان نمادین از تزیینات مهم فرهنگی بشر بوده است.

در دوره‌ای نزدیکتر به عصر ما در اروپا، معماری رومی-وار و گوتیک نیز منوسل به رنگ می‌شدند؛ که کلیساهای اعظم نشانه آنند، چنانکه در شهرهای سینا، فلورانس و ونیز نیز به تنه‌های رنگی، نقاشیها، سوزنیکها و سرمهرهای

نقاشیهای دیوارها در شهرهای اروپا و آمریکا در قرن بیستم به شکل قابل توجهی کاهش یافته است. این امر به دلیل استفاده از مصالح ساختمانی بی‌رنگ و استفاده از رنگهای تیره و خشن است. در نتیجه، شهرها به محیط‌های بی‌رنگ و بی‌حیات تبدیل شده‌اند. این امر به دلیل استفاده از مصالح ساختمانی بی‌رنگ و استفاده از رنگهای تیره و خشن است.

خوان کارلوس لانگلوآ

نقاش آروانتس، تاسکون ۱۸ نمایشگاه انفرادی تشکیل داده و در نمایشگاههای گروهی فراوان که به وسیله موزها و گالریهای آمریکایی لاتین، آمریکای شمالی و اروپا تشکیل شده شرکت کرده است. او طوطی در سال ۱۹۶۷ تا ۱۹۸۷ مدتی بنیاد بین‌المللی توسعه فرهنگ در براسکو بوده است.



خیابانی در محله پرجمعیت لایو کال
در پورتوس آبرس آرژانتین

دیوارنگاره‌ها و نقاشیهای چشم‌فریب

استفاده درست و در عین حال جسورانه از رنگ طبعاً جای
عمده‌ای در هنرهای تزئینی خیابانی دارد. در چهارراه‌های
مواصلاتی، در تماشای و برخوردی که از بی‌رکت خیابان
ایجاد می‌شود، نماها، درها، پنجره‌ها، ساختمان، زمین و قفسی
که پوشیده از رنگ باشند به صورت تکیه‌گاه‌های مسلط‌تر
توجهی شهرسازی که در جست و جوی شهرسازی تازه‌ای
است درمی‌آیند. در این صورت تماس شهر به همان نسبت که
رنگ - در مقام محور یک شعره واقعی شهری - بر تیرگی
و تک رنگی غلبه می‌کند، دست یافتنی‌تر و دلچسب‌تر
می‌نماید.

دیوارنگاره‌ها و نقاشیهای چشم‌فریب و برجسته‌نما
اندک اندک حق حیات کسب می‌کنند. و گاهی با یادآوری
فلان نکته از تاریخ یک محله یا شهر یا کشور و یا با مطرح
کردن تزیینات کم‌دوامی که در گذشته به مناسبت حوادث
سیاسی، مذهبی یا هنری دیوارها را می‌پوشانند، خاطره

جمعی مردم را زنده می‌کنند

در قرن بیستم مهمترین اثری که در زمینه دیوارنگاری
تحقق یافته است در آثار سه هنرمند مکزیکی بیافت می‌شود:
دیگو ریورا (۱۸۸۶ تا ۱۹۵۷)، خوزه کلمنته اوروزگوسو
(۱۸۸۳ تا ۱۹۲۹) و داوید آلفارو سیکوتیروس (۱۸۹۶ تا
۱۹۷۴). اینان در جست و جوی هنری بودند که در آن واحد
عظیم، قهرمانانه، انسانی و مردمی باشد و لذا از دهه ۱۹۲۰ به
بعد نقاشیهای دیواری عظیمی کشیدند که بسیار بزرگ‌تر از
مکزیک و انقلاب ۱۹۱۰ است.

اقدام آنان انعکاس وسیع یافت، ابتدا از مکزیک و پس از
آن از آمریکا سفارشهای بسیار گرفتند کار ایشان سبب شد
تا در آمریکا برنامه دولتی وسیعی برای کمک به نقاشانی که
بر اثر بحران اقتصادی ۱۹۲۹ مستضر شده بودند، تدوین
گردد. و چنین بود که در قالب New Deal روزولت که در
۱۹۳۳ ایجاد شد، ۲۵۰۰ نقاشی دیواری بزرگ تهیه گردید.
در ۱۹۶۷ گروهی از هنرمندان سیاهپوست آمریکایی به



دیوار یک خانه در بنارس، شهری در هند در ساحل گنگ.

معارفهای کم دوام، مسابقه بین المللی پیکره ترانس بر روی برف و یخ که در ۱۹۹۱ در الوار (اسووا)، بیست ورزشهای زمستانی در فرانسه ترتیب داده شده بود.



یک محیط زیست رنگین تر مشارکت کنند. در واقع خیابان به سبب ماهیت خود به عنوان فضای مشترک جمعی، مناسبت بیشتری برای خلاقیت جمعی دارد. تعداد روزافزون دیوارهای نقاشی شده در تقریباً تمامی نقاط جهان که در خلق آنها هنرمندان، جوانان و مریشان شرکت کرده اند، دلیل این ادعاست.

کسانی که مأمور اعفاده حیثیت با جان دادن به فضاها از راه رنگها هستند بایستی بگویند تا جماعات همسایه را در انجام این طرحها تشویق کنند. خلاقیت جمعی، چه در اماکن تاریخی یا حومه‌ها یا در نزدیکی شهرکهای صنعتی اطراف شهرها و یا در مراکز پرجمعیت، بایستی بتواند فضاهای لازم برای رنگ‌آمیزی را بیابد تا بتواند خود را بیان کند و امکان یک گفت و شنود اجتماعی را که فسیله و لزوم آن هر روز آشکارتر می‌گردد، پدید آورد.

رنگ آداب و رسوم را تلطیف می‌کند

اکنون دیگر این نکته ثابت شده است که اگر انسان را از محیط طبیعی رنگ‌آمیزی شده‌اش جدا کنند بر خستونش افزوده می‌شود. برای مقابله با این گرایش بایستی اقداماتی را رونق داد که با آموزش کودکان و نوجوانان بسیاری به کاربردن نگاه که ابزار اساسی شناخت است، موجب بیداری حساسیت آنان گردد. برای این منظور بایستی تحقیقاتی را که تاکنون درباره تأثیر رنگ بر رفتار افراد و جوامع صورت گرفته است عمیق‌تر کرد و در اختیار همگان قرار داد.

تسویق ویلیام واکر بر یک بنای متروک در حومه شیکاگو، یک نقاشی دیواری ترسیم کردند که ترکیبی است از تصاویر، عکس و متون شاعرانه. این اثر که دیوار احترام نام دارد در ستایش شخصیتهایی تهیه شده که در جهت کسب حقوق سیاهان مبارزه کرده بودند. این ابتکار که در شهرهای دیگر لوس آنجلس، بالتیمور، سانفرانسیسکو و نیویورک تقلید شد یکی از سرآغازهای تولد دوباره نقاشی دیواری است.

طی دهه ۱۹۶۰ ترسیم نقاشیهای دیواری در فضاهای عمومی به صورت سلاح اصلی جنبش اصیل هنر مسردمی جلوه کرد که مخصوصاً میل به بیان هنری گروههای جمع‌گرا را که از دسترسی به آفرینش بصری محروم بودند، مستحکم می‌کرد.

پدیده دیگری که تازه‌تر است این است که نقاشیهای چشم‌فریب نیز به سهم خود مورد توجه قرار گرفته و در جهت مخالف نوعی معماری که به گونه‌های اغراق‌آمیز بر دیوار برهنه تکیه دارد، رونق یافته است. نقاشیهای چشم‌فریب و برجسته نما پس از آنکه چشم‌انداز هندسی - که البته سابقه خیلی قدیمتر تا عهد پیشی دارد - را به کار گرفت در قرن شانزدهم رونق فراوان یافت و امروزه نیز مهندسان شهرساز آن را یکی از بهترین راهها برای پیوند دادن رؤیا و تخیل با سودهمنشی و کارایی می‌دانند.

در واقع بهتر کردن کیفیت زندگی در محیط شهری یکی از هدفهای درجه اول هنرهای خیابانی است. هدف عمده این است که به شهروندان امکان داده شود تا در مجموعی در ایجاد

البته هنوز زمان بحث از اجزای روشهای مستکی بر کاربرد رنگ نرسیده است. اما تا ما اکنون هم تجارب بسیار نقش غیر قابل انکاری را که رنگ در عرصه انواع فعالیتهای علمی، فنی و هنری ایفا می کند، ثابت کرده اند. گاهی سبزی اتفاق می افتد که وارد کردن رنگ در سیمای شهر به دلیل فقدان طرحهای جدی، مخصوصاً در حومه ها، به نسوعی «تافری» می انجامد.

بر عکس، وقتی که به طور منظم به دستای از رنگهای ترکیبی توجه شود که در آنها سفیدی، خاکستری یا سفیدی غالب است، خیلی زود به سبب آلودگی هوا دوباره رنگ تیره غلبه می یابد. رنگهای زنده اگر به مهارت به کار گرفته شوند می توانند ارزش تأسیسات شهری، ساختمان و حتی محله را نمایان سازند. همچنین تأسیسات «سنگین» - ستونهای صنعتی، پلها، مخازن، زیرسازهای جاده و راه آهن - می توانند عرصه شایسته ای برای بیان شکل تازه ای از هنر تربیتی باشند. به عنوان مثال به پل راه آهن ویرزون در فرانسه اشاره می کنیم که کرسیستان گرو رنگ آمیزی آن را تحقق بخشیده و رنگ تیره استخوانی آن را به رنگهای زنده و روشن تبدیل کرده است. ترکیب آهن و رنگ ارزش تازه ای به کار می دهد و حتی جلوه ای در آن پدید می آورد که در این نوع آثار به تدرت دیده می شود (به مطالب داخل کادر همین صفحه بنگرید).

در زمینه احیای آثار، رنگ می تواند به نجات و نوسازی محله های محکوم به نابودی و ویرانی و گمنامی کمک کند. مثال آن محله فقیرنشین لاپوکار در پوئوس آیرس است که پس از آنکه همه خانه های چوبی و حلی آن را با رنگهای متباین رنگ کردند به کلی تغییر شکل یافت. این ابتکار که در ۵۰ سال پیش به همت بنیو کینکلا مارتین، هنرمند ساکن لاپوکار انجام گرفت، موجب تقویت هویت محله ای شد که در یک مجموعه شهری که امروزه نزدیک به دوازده میلیون نفر جمعیت دارد گم شده بود.

مثال دیگر رنگ آمیزی خانه های سبک ویکتوریایی یکی از محلات ساوفر انیسکو است. رنگهای شادی که به کار گرفته اند سردرها، ستونها، آفریزها و پنجره ها را جلوه می دهند و احساس راحتی و شادی می آفرینند.



روی پل ویرزون نوشته کریستیان گرو

پل ویرزون در قلب فرانسه به سبب ارتباط مستقیم که با نوآوریهای انقلابی گوستاو اِبیل ساخته می شود برج ایبل دارد. در ابتدا به دیده تکنفنی و سنجشی و گاهی نیز به چشم انتقادی نگریسته شد. از آن پس لوگوموتیوها پیش از آنکه از مصرف زغال سنگ دست بردارند، ظروف آن را آلوده کردند. آنگاه به سبب عادت اِبیل به صورت یک سی به مصرف درآمد. نظرها زیر و تو میله ها روی آن در گذران از زو و از زیر آن به حرکت درآمدند. پل در تیرگی رنگار گرفته انداز (علی رقم ۹۷ متر درازا، ۱۱۷۰ متر پهنا و ۹۵ متر ارتفاع) از چشمها افتاده بود. این اثر هنری به ابتکار خانه فرهنگ یورژ از این پس جایگاهی را که در سیرات فرهنگی مدن ویرزون و منطقه به عنوان گرواه معاصرای هنری سرآغاز قرن، در خود بوست. بازمی یابد. اما برای آنکه زندگی را از سرگیری به پایشی بولاً رنگبایش را باز می یافت.

کریستیان گرو، که عامل این رنگ آمیزی فوق العاده است چنین به یاد می آورد:

همچون قریبای رنگارنگ

تیرجیدهای پل که در قفسه فضایی و متحرک یک کده کاری طول یکم را پدید آورده اند که از رنگهای دور است به عنوان نماد بود. تمام برای باز آفرینی ارزش این ساختار هنری عظیم اطراف آن می نمود ساختاری که همچون یک مجموعه عظیم هنری، خاد و در حلقه آن آسمان آبی فرو افتاده و رنگهای آن از دور به چشم می آید. روی خود، همه اعزاز هست.

سرخ، رنگ سبز و چشمه استمر به یاد دوران اشغال فرانسه طی جنگ دوم جهانی و خطی که درست از ویرزون می گذشت و آنجا را به دو منطقه اشغال شده و آزاد تقسیم می کرد و نیز همچون عشق، زیرساز مسریم و مدرسه دانش و می گویند تا سرهای خود را به افتخار بالا نگه دارند.

آبی، برای آنکه دستمان را به آسمان امید تراز کنیم.

رو بالاخره سبز، رنگی که برای پل ویرزون رودخانه ساخته شده روی آن راههای آهن قرار دارد که در روزهایمان یادآور جاهای دیگر و رنگهای دیگر است. پلی که از عشق شادمانه هایش با زمین و گیاه در آینه شده است. پس به این ترتیب، چهار رنگ همین طوری در هم آمیخته شده اند. نه توان نیز چها که بر اساس نظم حساب شده ای ترکیب لحاظ بود. روی هم سوار شده اند، اجازه این بی نظمی را نمی دهد. تا بهمانجا که رنگ آفریزها با حرکت بهمان کل استخوانی پل ممانگی دارد.

آیا این راه هم بی نظیر است که بازوه های متعدد پل در تمام مدت تنظیم ماکت آن اسباب زحمت من شده بودند زیرا که برای رسیدن به نقطه نهایی طرحی که ممانگی رنگهای رقصان آن باغ ضرورت داشت به طرحها و تونهای فراوان نیاز داشتیم. یاد این هفتست دیگر برج ایبل، بنیه پل را انجام داد.

این عمل جراحی زیبایی، پاسخ به افرادی است که نوسازی تصویر ممتاز ویرزون ایجاد می کرد و این اراده در امر اصلاح مرکز شهر و ساختنهای راه آهن نیز منکس است. پل که خط رابط میان بخش آموزشی و قلب شهر کهنه و گذرگاه سلفهات اکنون به گذرندگان و به کسانی که بدان خو گرفته اند، آینه می زند.

پل اکنون همچون نقش برجسته ای در چشم انداز قرار دارد و آن را روشن می کند و با فریاد رنگارنگ خود تیرگی زندگی روزانه را نظیر می نماید.

خاتم کریستیان گرو، یکمه ساز فرانسوی و بنیادآور چندین جشنی دیواری و طرحهای هنرمندانه برای شهرهای و صنعتی است. او هم اینک در دفتر آفرینش تعاونی هنرمندان دیوارنگار مشارکت فعال دارد. یونسکو به مسابقت ساختن موزه شهری نوینی گزیده در یون، که به عنوان طرح مدعی جهانی توسط فرهنگ شناخته شده، به او جایزه داد استرگه به من

